

نقش نهادهای ملی حقوق بشر در حمایت از حقوق بشر کارگران مهاجر: معانی اعلامیه سانتاکروز^۱

نویسنده: او بیانگ تون^۲
مترجم: علی محمد فلاح زاده^۳

مقدمه:

اگرچه پدیده مهاجرت در تاریخ جهان، گرایش، جامعه بین‌المللی محسوب می‌شود [با این حال] جابه‌جایی و تحرک مردم در عصر جهانی شدن موجب بروز چالش‌های جدیدی شده است. بسیاری از نهادهای ملی حقوق بشر^۴ در پایان اکتبر سال ۲۰۱۶ میلادی و به منظور سهیم شدن در نگرانی‌های مربوط به مهاجرت و اندیشیدن برخی از سازوکارهای مربوط به آن در سانتاکروز بولیوی گردهم آمدند. شایسته است تا موضوع‌های مهم مربوط به مهاجرت را که مورد بحث نمایندگان نهادهای ملی حقوق بشر قرار گرفته معرفی و معانی و مفاهیم چنین فعالیت‌هایی را مورد بررسی قرار دهیم.

1. Santa Cruz Declaration
2. Oh Byung ttoon

^۲ دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه شهید بهشتی

4. National Human Rights Institutions (NHRIS)

۱. ماهیت حقوق بشر کارگران مهاجر

کارگران مهاجر نتیجه فرعی توسعه اقتصادی تلقی می‌شوند همانند مهاجرت به دلیل یافتن کار که به معنی جابه‌جایی کارگران برای [به دست آوردن] پول یا شرایط اقتصادی بهتر است، [با این وجود] توجه‌ها به طور عمده معطوف به وضعیت‌های حقوقی کارگران در کشورهای مهاجرپذیر بوده است تا حقوق بنیادین آنها نظیر حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اما بسیاری از کارشناسان بر اهمیت کارگران مهاجر در کمک و معاضدت به کشورهای میزبان تأکید می‌نمایند و آنها را به عنوان بخش زائد نیروی کار داخلی محسوب نمی‌کنند. کارگران مهاجر باعث رفع کمبود در بخش‌هایی می‌شوند که کارفرمایان نمی‌توانند در آن عرضه‌ها منابع انسانی را در بازار کار داخلی پیدا کنند، اکثراً هم کمک کارگران به رفع این کمبودها به طور نسبی همراه با شرایط کاری فقیرانه و دستمزد پایین‌تر بوده است. از آن جا که شغل‌هایی که اکثر کارگران مهاجر در کشور میزبان داشته‌اند، شغل‌های آبرومندانه نبوده است، دسترسی کارگران مهاجر به بازار کار کشور پذیرنده، نیروی کار داخلی را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد.

در این خصوص مهاجران جویای کار، کارگران اضافی محسوب نمی‌شوند بلکه آنها کارگران مکملی هستند که در شرایطی با مزد کم کار می‌کنند. عوامل زیادی وجود دارد که باعث نقض حقوق بشر و بهره‌کشی از کارگران مهاجر می‌شود، با این حال با وجود این که در کشورهای مهاجرپذیر در چرخه زندگی معمولی، تقاضا برای کارگران مهاجر بیشتر است ولی موضوع مهاجرت مغفول باقی مانده است. برخی از کشورهای مقصد (مهاجرپذیر) معاهده بین‌المللی حمایت از حقوق همه کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها را تصویب کرده‌اند.

۲. نقش نهادهای ملی حقوق بشر در ارتباط با موضوع‌های سیاسی

از نهادهای ملی حقوق بشر انتظار می‌رود تا در کشورهای خود و براساس اصول پاریس آگاهی‌های ناظر بر موضوع‌های حقوق بشری را پایه‌ریزی نمایند. از آنجا که نهادهای ملی حقوق بشر از طریق اسناد بین‌المللی راهبری می‌شوند، توصیه‌ها، عقاید و آرای‌هایی که صادر می‌کنند اغلب در مقابل رویکرد سیاسی حکومت قرار می‌گیرد.

دلیل برخی از انواع انتقادها علیه نهادهای ملی حقوق بشر ممکن است ظلم و ستمی باشد که به وسیله حکومت‌های آنها انجام می‌شود، اگرچه تنها چند دلیل از این نوع در مورد برخی از موارد در سال‌های اخیر وجود دارد.

در صورتی که کشوری تنها در پی یک ارزش اقتصادی [خاص] باشد، حمایت از حقوق بنیادین کارگران به بوته فراموشی سپرده خواهد شد. در این خصوص، سازمان ملل متحد توصیه کرده است که هر کشوری باید یک نهاد ملی حقوق بشر برای تکمیل سیاست‌های حکومت تأسیس کند.

از آنجایی که رویه نهادهای ملی حقوق بشر از کشوری به کشور دیگر متفاوت است، اکثر نهادهای ملی حقوق بشر برای ایجاد نوعی دگرگونی در سیاست حکومت به اندازه کافی کارآمد و مؤثر نیستند به علاوه توصیه‌های نهادهای ملی حقوق بشر از حیث قانونی نسبت به واحدهای حکومتی مربوطه الزام‌آور محسوب نمی‌شوند. به منظور ایجاد شایستگی و کارآمدی، نهادهای ملی حقوق بشر باید به صورت جدی شبکه‌سازی بین‌المللی را مدنظر قرار دهند. اگر چند نهاد ملی حقوق بشر وجود داشته باشد که با حکومت به خاطر دیدگاه‌ها و موضع‌گیری‌های متفاوت اختلاف نظر داشته باشند شبکه بین‌المللی نهادهای ملی حقوق بشر می‌تواند با نظام هشداردهنده پیش از موقع که توجه جدی جامعه حقوق بشری بین‌المللی را جلب می‌کند، به دولت‌ها هشدار جدی دهد به نحوی که آنها با فشار شدید مواجه شوند.

با این حال اگرچه اکثر حکومت‌ها دیدگاه‌ها و توصیه‌های نهادهای ملی حقوق بشر را با این حال به مرحله اجرا در نمی‌آورند اما تمایل دارند تا این دیدگاه‌ها را به عنوان مصادیق جایگزین مورد توجه قرار دهند.

وقتی که این توصیه‌ها و دیدگاه‌ها به شکل اجماع نهادهای ملی حقوق بشر در مورد حمایت از حقوق بشر کارگران مهاجر در آید، میزان زیادی از اختلاف‌ها در کشورهای آنها می‌تواند قابل پیش‌بینی باشد اما اجماع به عنوان شیوه بیان تصمیم می‌تواند راهنمای دولت‌های برای ایجاد یا اصلاح سیاست‌های آنها در مورد رفتار مناسب با کارگران مهاجر تلقی شود. مفاد زیر از اعلامیه ساناکروز در مورد حقوق بشر کارگران مهاجر انتخاب شده‌اند:

۳. اعلامیه سانتاکروز راجع به حقوق بشر کارگران مهاجر

به منظور درک جدیدترین گرایش‌های مربوط به حمایت از حقوق بشر کارگران مهاجر نکاتی از اعلامیه سانتاکروز در زیر خواهد آمد، این نکات نشانگر هسته اصلی استانداردهای حقوق بشر بین‌المللی است.

اول از همه، نهادهای ملی حقوق بشر باید به منظور تضمین حمایت مؤثر قانونی و داخلی از همه کارگران از جمله دسترسی به عدالت، عدم تبعیض و رفتار برابر، از رویکرد حقوق بشر - محور^۱ نسبت به مهاجرت و نقل و انتقال‌های مربوط به آن حمایت کنند. بنابراین نهادهای ملی حقوق بشر نقشی حیاتی در تشویق یک جامعه پاینده به تکرر و تنوع به عنوان یک پتانسیل بالقوه مثبت برای تضمین جامعه هماهنگ و منسجم و ساختن آن جامعه بر اساس اصول بنیادین برابر و احترام متقابل، خواهند داشت.

دوم اینکه، نهادهای ملی حقوق بشر متعهد به همکاری متقابل و به‌کارگیری شبکه‌های خود برای برقراری ارتباط پیرامون موضوع‌های مهاجرت بین کشورهای همسایه و مهاجر فرست و کشورهای مهاجر پذیر و کشورهای محل رفت و آمد (کارگران مهاجر) هستند.

سوم اینکه، به طور معمول تعداد زیادی از حکومت‌ها تمامی به تصویب کنوانسیون بین‌المللی کارگران مهاجر ندارند. نهادهای ملی حقوق بشر باید به تحلیل علل و عوامل مربوط به عدم تصویب (کنوانسیون) که شامل سوء فهم‌ها و موانع دیگر است بپردازند.

چهارم اینکه، در مورد انواع حادثه‌های مشکل‌های مربوط به مهاجرت نظیر دادوستد انسان‌ها، قاچاق و قربانی کردن بسیاری از مردم بی‌گناه، نهادهای ملی حقوق بشر باید از اشخاص دادوستد شده به خصوص زنان و کودکان در مقابل صدمه و تهدیدات دادوستد کنندگان حمایت کنند. به خصوص در کشورهای مهاجر پذیر نهادهای ملی حقوق بشر باید در ایجاد هم‌پیوندی مجدد خانواده کارگران مهاجر و آموزش رایگان کودکان مهاجر بر اساس استانداردهای حقوق بشر بین‌المللی مشارکت و اعانه نمایند.

نهایت این‌که (فعالیت) نهادهای ملی حقوق بشر باید شامل پناهندگان و کسانی که در پی پناهندگی هستند از جمله گروه‌هایی که نیازمند توجه خاص هستند نیز بشود.

1. human rights-based approach

نتیجه گیری:

در عصر حقوق بشر بین‌المللی، از سازمان‌های غیردولتی (NGOS) و علمی انتظار زیادی می‌رود تا به نهادهای ملی حقوق بشر کمک نمایند تا آنها به بخش اساسی دولت دموکراتیک تبدیل شوند.

در حالی که سیاست حکومت‌ها بر منافع ملی متمرکز است نهادهای ملی حقوق بشر از طریق اجرای داخلی و بین‌المللی اسناد حقوق بشر در پی منافع جامعه بین‌المللی هستند. در این خصوص هیات‌های حکومتی و نهادهای ملی حقوق بشر باید به تحقیق، تشخیص و مبادله بهترین رویه‌های مربوط به مهاجرت و توسعه شامل استفاده ابتکاری و مؤثر از منابع پولی و مالی برای حمایت از توسعه بپردازند. توجه بیشتر باید معطوف به مبارزه عمومی در جهت مقابله با کلیشه‌ای شدن مهاجرت و تشویق آگاهی‌ها و احترام به حقوق کارگران مهاجر باشد.

اگرچه ممکن است بخش‌هایی از اعلامیه سانتاکروز با منافع برخی از کشورها در تعارض باشد، ولی این اعلامیه مفاهیم چندگانه‌ای را به مثابه رهنمود سیاست‌های حکومت برای کشورهای «مهاجرپرست» و «مهاجرپذیر» ارائه می‌دهد. باید به ماهیت اسناد حقوق بشر بین‌المللی که لزوماً از حیث قانونی الزام‌آور نیستند لکن اخلاقاً الزام‌آورند و اجرای اسناد حقوق بشری که متکی بر عزم و اراده‌ی جدی و ناظر بر حوزه داخلی کشورهاست توجه کرد. اما آنچه که اهمیت دارد این است که نهادهای ملی حقوق بشر تلاش جد نمایند تا روح حقوق بشری را در [کالبد] تمام دولت‌های سرتاسر دنیا بدمند. بدون پیشگامی نهادهای ملی حقوق بشر بسیاری از کشورها حمایت حقوق بشری از کارگران مهاجر را فراموش خواهند کرد. اکنون که همه موضوع‌ها و عوارض حقوق بشر به نهادهای ملی حقوق بشر ارتباط دارند [بنابراین] این نهادها را باید به مثابه کنشگر مهم فرایند سیاست‌گذاری به حساب آورد، سازوکارهای زیادی از جمله برخی از ساختارهای شورای حقوق بشر نظیر رویه‌های خاص و به همان میزان ساختار و مقررات منطقه‌ای نیز وجود دارد. این ابزارهای کلیدی ملی حقوق بشر برای حرکت رو به جلو در راستای اجرای مؤثر و کارآمد اعلامیه سانتاکروز هستند. وقتی تلاش‌های ما برای جامعه متوازن^۱ به ثمر خواهد نشست که حقوق بشر کارگران مهاجر رعایت شود.